

 <p>تاریخ آزمون : / 1402</p>	<p>باسمه تعالی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه دبیرستان غیردولتی هدی (دوره ی د) پاسخنامه آزمون نوبت دوم سال 1401 تعداد صفحات : سوال :</p>	<p>پاسخنامه درس: فلسفه پایه : رشته : نام دبیر :</p>
بارم	شرح سوالات	ردیف
		1 غ-ص-غ-ص
	البته از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان میخواهند توانایی انسان در شناخت هستی را هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری میتواند به شناخت هستی پردازد؛	2
	شاخه های فلسفه رافلسفه های مضاف مینامند؛ زیرا کلمه فلسفه به کلمه ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است؛ مانند فلسفه فیزیک که به کلمه فیزیک اضافه شده است. درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث میکند.	3
	آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند، همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارند و در سیاست معتقد به لیبرالیسم هستند.	4
	فلسفه علوم اجتماعی، یکی از شاخه های مهم فلسفه است. یکی از مسائل مورد توجه در این شاخه از فلسفه این است که آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد.	5
	اوپانیشادها-فیثاغورث-پارمنیدس-فیثاغورث	6
	وقتی کسی داوطلب پاسخ میشد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح میکرد به طوری که مخاطب و پاسخ دهنده را به حقیقت میرساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ دهنده به دست میآورد. این روش گفتوگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار میگرفت، به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت	7
	شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست. چرا که به یک معرفت اعتراف کرده	
	قلب» یا «دل» یکی دیگر از ابزارهای معرفت انسان است که میتواند بیواسطه به حقایقی برسد و معرفت کسب کند. معرفتی که از این طریق به دست میآید، «معرفت شهودی» نامیده میشود. وحی	

8	<p>پوزیتیویسم» آنها تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه میدانستند، معتقد بودند که اصول دسته از مفاهیم و گزاره‌ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمیتوانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بیمعنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمیتواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصول قابل بررسی علمی نیستند.</p>
9	<p>نسبیگرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگیهای خود، درباره امور به شناختی میرسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ مثلاً بر اساس این دیدگاه، بهطور مطلق نمیتوان گفت «فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا میکند»؛ بلکه فرد حداکثر میتواند بگوید «من در این وضعیت، فکر میکنم فلز بر اثر حرارت منبسط میشود.» نسبیگرایی در معرفتشناسی، به تدریج در حوزه هایی مانند انسانشناسی، اخلاق، حقوق و در دین، خود را بیشتر نشان داد و به نسبیگرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.</p>
10	<p>ابن سینا در یکی از کتابهای خود که به تبیین عرفان میپردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح میدهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمیگوید برخلاف سهروردی که مکتب کاملاً شهودی دارد.</p>
11	<p>آنان میگویند ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. از نظر ماتریالیستها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.</p>
12	<p>کانت، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. او از این راه، نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد و گفت انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است</p>
13	<p>ابن سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیقتر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید. ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحلهای رسید که صاحب همه اندامهای بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا میکند. این روح، که جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد.</p>

	<p>از نظر افلاطون، در صورتی عمل انسان در جهت سعادت است که بنا به فرمان و راهنمایی عقل انجام پذیرد. یعنی قوه غضب و قوه شهوت، تحت کنترل و حکومت عقل باشند و با راهنمایی عقل عمل کنند.</p>	14